دریچه

محافظه‌کاران کجا هستند؟

توماس فریدمن/ترجمه: مرجان یشایائی

■ با مشاهده مباحثات داخلی جمهوری‌خواهان برای اجماع‌نظر بر سر کاندیدای واحد ریاست‌جمهوری با خود می‌گویید شاید بهتر بود جمهوری‌خواهان از انتخابات فعلی دست بکشند و بگذارند موضوع فقط بگذرد. وقتی در بازی حروف به‌هم‌ریخته به ترکیب بی‌معنایی برخورد می‌کنید به ستون اصلی برمی‌گردید تا حروف معناداری پیدا کنید. به نظر می‌آید رای‌دهندگان در اجتماعات اولیه حزب جمهوری‌خواه چنین روشی را در پیش گرفته‌اند. آنها می‌خواهند به ستون حروف معنادار برگردند. این کارشان یک دلیل دارد: حروف معنادار قبلی تاریخ مصرف‌شان گذشته، حزب جمهوری‌خواه خود را گرفتار مباحث بنیادی عقیدتی کرده است: مخالفان سقط جنین، فعالان ضدمهاجرت، محافظه‌کاران اجتماعی که نگران تقدس ازدواج هستند، لیبرال‌هایی که می‌گویند دولت باید کوچک شود و مخالفان افزایش مالیات که انگار می‌خواهند سر دولت را زیر آب کنند. متاسفانه نمی‌توان به مشکلات بزرگ جامعه ما که روز به رو هم بزرگ‌تر می‌شوند با چنین مجموعه درهم‌ریخته ناهمگونی پاسخ گفت. قبلا نوشته بودم که شاید برای برون‌رفت از دوقطبی غربی آمریکا نیازمند حزب سومی باشیم ولی این درواقع دورنمای آینده ماست. امروز نیاز مشخص و فوری ما یک حزب دوم واقعی است. یک اپوزیسیون جمهوری‌خواه هماهنگ و یکپارچه که ارایه‌دهنده پیشنهادهای راهگشای محافظه‌کاران و نیز آماده توافق برای پیشبرد منافع خود و کشور باشد. بدون ایجاد این وضعیت، برای بهترین دموکرات‌ها که قصد توافق داشته باشند طرفی پیدا نمی‌شود و بدترین آنها هم برای تردستی‌های سیاسی‌شان راه همواری پیدا می‌کنند. از آنجا که چنین تغییری به احتمال قوی به زودی در حزب جمهوری‌خواه اتفاق نخواهد افتاد شاید بهتر باشد که جمهوری‌خواهان انتخابات آتی ریاست‌جمهوری را رها کرده و در مورد مسایل بنیادی از نو فکر کنند. یعنی همان کاری که دموکرات‌ها پس از سه شکست پیاپی در انتخابات دهه ۸۰ مجبور شدند. انجام دهند همان‌طور که بیل کلینتون «دموکرات‌هایی از نوع دیگر» را تعریف کرد. اکنون باید «جمهوری‌خواهان از نوع دیگر» نیز تعریف شوند چراکه کاندیداهای جمهوری‌خواهان به سه مشکل اساسی امروز آمریکا پاسخ واقع‌بینانه‌ای نمی‌دهند. پاسخ اول باید به چالش‌ها و فرصت‌هایی باشد که با شدت‌گرفتن روند جهانی‌شدن و انقلاب فناوری اطلاعات در عصر ما، جهانی به‌غایت مرتبط را به‌وجود آورده‌اند؛ جهانی که آموزش، نوآوری و استعداد بیش از هر زمان دیگر ارج و قرب پیدا کرده؛ جهانی که در آن به جای کلمات «توسعه‌یافته» و «در حال توسعه» کلماتی نو آمده‌اند: (HIEs) high-imagination-enabling countries [کشورهایی که توسعه‌یافتگی اقتصادی در آنها با پیشرفت فرهنگی همراه شده است. به عبارت دیگر پیشرفت کیفی همراه پیشرفت کمی] و واژه دیگر: (LIEs) Low-imag-nation-enabling Countries [کشورهایی که به واسطه افزایش درآمد ملی شاخص‌های توسعه اقتصادی در آنها بهبود یافته بی‌آنکه شاخص‌های فرهنگی همراه آن پیش رفته باشد. کشور صورت توسعه‌یافته دارد بی‌آنکه پیشرفت اجتماعی و فرهنگی با پیشرفت اقتصادی همراه شده باشد. نمونه بارز این کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس هستند.] این جهانی است که آمریکا باید با سختکوشی راه خود را در آن باز کند. باید سرمایه‌گذاری‌های بهتری در امور زیربنایی، آموزش همگانی، جذب مهاجران بااستعداد کنیم باید قوانینی وضع کنیم که بی‌آنکه زمینه‌ساز افزایش سهل‌انگاری شوند برای روبه‌رو شدن با تلاش‌های پرمخاطره انگیزه ایجاد کنند. باید تحقیقات علمی با سرمایه‌گذاری دولت محدودیت‌های علوم را پس برانند تا نظام سرمایه‌داری ما بتواند بهترین بهره‌وری را داشته باشد. بدون مشارکت بخش خصوصی و دولتی راهی برای پیشرفت در عصر کنونی وجود ندارد. دومین چالش بزرگ درازمدت مساله بدهی‌های هنگفت و حقوق ضروری اجتماعی ماست. این مساله را نمی‌توان بدون افزایش مالیات‌ها و اصلاح نظام مالیاتی و سرانجام رساندن همزمان با آن از حشر و زواید بودجه‌های دفاعی و حقوقی اجتماعی کم کرد. کاهش یک‌باره بودجه‌های دفاعی و حقوقی اجتماعی، امنیت فردی و امنیت ملی هر آمریکایی را به مخاطره می‌اندازد. راه درآمد بیشتر بالا بردن مالیات‌هاست. ولی سال گذشته که کاندیداهای جمهوری‌خواهان اعلام کردند فقط در صورتی با دموکرات‌ها درباره افزایش مالیات مذاکره می‌کنند که در برابر یک دلار افزایش مالیات، ۱۰ دلار از هزینه‌های دولت کم شود معلوم شد که حزب جمهوری‌خواه از واقعیت بریده است و دیگر نه یک حزب محافظه‌کار که به حزبی رادیکال و افراطی تبدیل شده است. کاندیداهای این حزب خود را با حقه‌بازی به شکل کاریکاتور رونالد ریگان درآوردند. او یک محافظه‌کار واقعی بود و وقتی فهمید کاهش هزینه‌ها تنها راه حل مشکلات نیست مالیات‌ها از جمله مالیات بر بنزین را افزایش داد. چالش سوم بزرگ ما: چگونه می‌توانیم بدون گرم کردن و آلودن گسترده زمین آینده بهتری را بخواهیم. محافظه‌کاران واقعی مانند ریچارد نیکسون، بانی آژانس حفاظت از محیط‌زیست، جورج بوش (پدر) که روی مساله مهار باران‌های اسیدی بسیار کار کرد معتقد به صرفه‌جویی بودند. جمهوری‌خواهان زمان ما اما آنچنان در چمبره لابی شرکت‌های نفتی و زغال‌سنگ گرفتار آمده‌اند که نمی‌توانند به‌طور جدی درباره فرصتی که برای نوآوری در مصرف انرژی به وجود آمده فکر کنند. ما می‌خواهیم سیاست‌های مالی محافظه‌کاران را بدانیم. نه فقط سیاست مالی که سیاست انرژی، سیاست مهاجرت و مفهوم مشارکت بخش خصوصی و دولتی را از زبان یک حزب محافظه‌کار بشنویم. کسی هست که حزب دوم این کشور را هوشیار کند؟ آمریکا تشنه شنیدن بحث‌های عاقلانه است.

راشد الغنوشی رهبر جنبش نهضت تونس:

دموکراسی بهترین گزینه است

ترجمه: محمدعلی عسگری

«راشد الغنوشی» شخصیتی بی‌مانند در تونس معاصر است. نمی‌توان در این کشور از روند سیاسی و دوران انتقال دموکراتیک قدرت سخن گفت بدون اینکه از او سخنی به میان آید؛ پیرمردی که گویی در میان امواجی متلاطم از جریان‌های سیاسی و دیدگاه‌های فکری متناقض شنا می‌کند. با این حال بشاش و خوش‌برخورد است. در نگاهش اندوه و نگرانی موج می‌زند و چین و چروک‌های صورتش حکایت از سال‌ها مبارزه و تبعید دارد. برای گفت‌وگو با الغنوشی همواره موضوعات و پرسش‌های متعددی پیش روست. گویی به دایره‌المعارفی می‌ماند که مملو از اطلاعات مربوط به ملت تونس و دغدغه‌های کشورش باشد. از تاریخ و سیاست و اصلاحات و دموکراسی سخن می‌گوید و خواستار شفافیت و آشتی و تسامح است. به دلیل تحصیلاتی که در «سوربن» داشته است از او درباره اسلام سیاسی و رابطه‌اش با «سلفیه» می‌پرسیم و از نگرشش نسبت به زن و اقتصاد و جهانگردی و نقش ارتش در انقلاب و پس از آن جویا می‌شویم که مجموعه آنها را در اینجا می‌خوانید:

یک سال از انقلاب یاسمن در تونس می‌گذرد، اوضاع این کشور را چگونه می‌بینید؟

اجازه بدهید تا قدم به قدم انقلاب را دنبال کنیم. یعنی از شراره‌های نخستین آن در «سیدی بوزید» که جوانی به نام «محمد بوعزیزی» خود را به آتش کشید. ملت ما بیدار شد و فهمید باید نظام مبتنی بر استبداد و سرکوب و فساد گذشته را سرنگون کند. ما در انحلال نهادهای نظام گذشته موفق شدیم و کشور را روی ریل جدیدی برای تاسیس یک نظام دموکراتیک قرار دادیم. نخستین انتخابات آزاد و تکثرگرای سالم و شفاف در تاریخ کشور برگزار شد و به دنبال آن مجلس ملی قانون اساسی شکل گرفت که وظیفه‌اش نوشتن قانون اساسی در ظرف یک سال است. از این مجلس نیز دولتی برآمد که مشروع و قانونی است. انتخابات تونس برای همه جهانیان شگفت‌انگیز بود و مردم ما توانستند نخستین سنگ بنای یک ساختار دموکراتیک را کار بگذارند و حاکمیت خود را در عمل احیا کنند.

آیا این موفقیت سیاسی در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی نیز اثرگذار بوده است؟

هدف‌های اقتصادی و اجتماعی انقلاب‌ها در یک مدت‌زمان کوتاه تحقق نمی‌یابند. از آن گذشته، هنوز مدت کمی از تشکیل دولت جدید نمی‌گذرد. با این حال برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی متعددی دارد که مجلس هم آنها را تایید کرده است. در حال حاضر فکرهای زیادی هست اما مهم‌ترین مساله این است که توسعه کنونی را چگونه گسترش دهیم تا بتواند پاسخگوی نیازها و چالش‌های موجود باشد و بتواند سرمایه‌گذاری بخش‌های داخلی را ترغیب کند و اقتصاد ما را که متکی بر کمک‌های خارجی بود به اقتصادی پویا و مولد تبدیل کند. در حال حاضر تونس به همه ما بیش از هرزمان دیگری احتیاج دارد و باید به صورتی یکپارچه دست‌به‌کار شویم. همه باید بدانند که اصول سیاسی بسیار مستحکم هم اگر تکیه‌گاه‌های اقتصادی و اجتماعی قوی نداشته باشند، فرو می‌ریزند.

ولی دولت جدید بار سنگینی را بر دوش می‌کشد که یک بخش آن داستان نزدیک به یک میلیون بیکار است. دراین‌باره اعتصاب‌ها و تظاهراتی نیز شکل گرفته است. بیکاران خواسته‌های برحقی دارند. با این پرونده‌ها چه برخوردی شده است؟

البته چیزهایی وجود دارد که از اعتصاب و اعتراض‌ها هم بدتر است و آن راهزنی و به آتش کشیدن اماکن و خرابکاری و جرم و جنایت در اماکن حساس مانند کارخانه‌ها و راه‌آهن است؛ مسایلی که به هیچ‌وجه مردم آن را نمی‌پذیرند و من می‌دانم که مردم در برابر این هرج و مرج خواهند ایستاد و از ثروت‌ها و انقلاب خودشان حمایت خواهند کرد. تجاوز به حقوق دیگران تحت هر عنوانی به موجب شرع و قانون و اخلاق مردود است. بله. ما خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مشروع مردم را می‌دانیم. اما به هرحال ما هم بخشی از این مردم هستیم؛ مردمی که طی سال‌های گذشته فداکاری‌های فراوانی کرده‌اند و انقلاب بزرگی را به ثمر رسانده‌اند. ما اجازه نمی‌دهیم که اقلیت کوچکی این انقلاب را به سرقت ببرد؛ اقلیتی که می‌خواهد کشور را فلج کرده و به خشونت بکشاند و شعارهای فرقه‌ای و طایفه‌ای را مطرح می‌کند. ملت ما مردم آگاه و میانه‌رو و بافرهنگی هستند.

بیکاری از ۱۴درصد به ۱۸درصد رسیده است و این یکی از عوامل اصلی خلأ امنیتی خواهد بود. جوانان می‌خواهند در پایان این تونل چشم‌شان به روزنه نوری بخورد. چرا با شمشیر یک قانون عادلانه با مسایل امنیتی برخورد نمی‌کنید؟

ملتی که تاکنون شاهد نومیدی و ستم و تحقیر بوده و رویاهایش بر فنا رفته اکنون فریاد زده و خواستار شغل و کار و کرامت و آزادی است. دولت باید به خواسته‌های مردم جواب بدهد. بیکاری در دوران انقلاب تا حدودی فراموش شده بود اما الان دوباره مطرح شده است و ما در برابر تعداد زیادی از بیکاران قرار داریم که روز به روز هم بر تعدادشان افزوده می‌شود. باید برای اینها شغل پیدا کرد و این نیازمند یک عدالت اقتصادی و عدالت در توسعه است و باید اولویت را به مناطق محروم داد. اما درمورد پرونده امنیتی باید گفت درواقع این مساله کلیدی است برای حل بقیه مسایل. ما نمی‌توانیم در شرایطی که امنیت وجود ندارد از توسعه اقتصادی یا اجتماعی حرف بزنیم. دموکراسی به معنای خلأ امنیتی نیست. آزادی و مسوولیت دو روی یک سکه هستند و همه خواهان این هستند که به گفت‌وگو مجال داده شود زیرا تنها فرمولی است که کشور می‌تواند به وسیله آن با حجم مشکلات موجود و خواسته‌های مشروع مردم که بخش بزرگی از آنها باقی‌مانده از دوران گذشته است مواجه شود.

اجازه بدهید بازگردیم به انتخابات مجلس تدوین قانون اساسی که حزب النهضت در آن توانست با کسب ۴۰درصد از کرسی‌ها برنده شود. آیا انتظار چنین موفقیتی را داشتید؟ شما تهدید کردید اگر چنین موفقیتی را به دست نیاورید طرفداران خود را به خیابان خواهید کشاند؟

انتخابات مجلس قانون اساسی یک اتفاق تاریخی در تاریخ تونس و امت عربی بود. این پیروزی متعلق به مردم تونس و ملتی است که این انقلاب را به وجود آورد و اکنون علاقه‌مند به ساختن یک دموکراسی است زیرا معیار موفقیت در یک انتخابات این نیست که حزب النهضت توانسته است بیشترین کرسی‌ها را به دست آورد بلکه موفقیت آن به این است که این انتخابات بحمدالله سالم و پاکیزه برگزار شد. در این انتخابات همه مردم تونس پیروز شدند و ما حاضر بودیم هر نتیجه‌ای را که به دست آمد بپذیریم.

آیا النهضت با وجود کسب آن پیروزی چشمگیر نیازمند به تشکیل ائتلاف‌هایی بود و آیا فکر می‌کنید این دولتی که در آن نیروهای متکثر و متنوعی وجود دارد، می‌تواند به صورتی منسجم و هماهنگ عمل کند؟

ما به این مسایل از زاویه تنگ حساب‌های سیاسی نگاه نمی‌کنیم. منافع ملی در نظر ما بالاتر از هر ملاک دیگری است. ما از پیش اعلام کرده‌ایم یعنی پیش از برگزاری انتخابات و در طول آن و بعد از اعلام نتایج که باید در این مرحله توافق وجود داشته باشد. این مرحله از تاریخ تونس بسیار حساس است. تمایل ما به ائتلاف از همین انگیزه‌ها نشات می‌گیرد. در طول مذاکرات مجلس قانون اساسی ما پیشنهاد این ائتلاف را مطرح کردیم. درمورد دولت فعلی هم باید بگویم که این دولت تونس است نه دولت حزب النهضت و نه کنگره یا هر فراکسیون دیگری. برای همین چاره‌ای جز این نخواهد داشت که منسجم عمل کند و به صورت یکپارچه باشد تا بتواند به اهداف ملی خود دست یابد و از پس چالش‌های مرحله کنونی و نیازهای انقلاب برآید.

ولی برخی معتقدند آینده این ائتلاف‌های سیاسی در تونس شکست خواهد بود. آیا شما معتقدید گروه‌های هم‌پیمان با حزب النهضت می‌توانند ویژگی‌ها و ایدئولوژی این گروه را مراعات کنند؟

چیزی که امروز در تونس برای ما اهمیت دارد تشکیل یک روند سیاسی جدید و مبتنی بر پیشنهادات عملی به جای شعارهاست. یعنی تاکید بر برنامه‌ها به جای پرداختن به نزاعات فکری و ایدئولوژیک. این تمرینی است که در سایه گفت‌وگوی بین طرف‌های مختلف به دست می‌آید و قدرت طرف‌های شرکت‌کننده را در ایجاد توافقات ضروری نشان داده و زمینه مناسب را برای یک عمل مشترک فراهم می‌کند. به اعتقاد من ائتلاف‌های سیاسی برای این نیست که افکار و اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های هر گروه کنار گذاشته شود. ائتلاف فضایی مناسب را برای استفاده از همه این افکار و برنامه‌ها فراهم می‌کند تا در خلال آنها پیشنهادها و برنامه‌های بهتری ارایه شود که در مجموع در خدمت کشور باشد.

شما از برنامه‌ها و افکار و پیشنهاداتی سخن می‌گویید... برخی می‌گویند احساسات متضادی وجود دارد. گروهی احساس می‌کنند در برابر حرکتی بنیادگرا و قدرت‌طلب قرار گرفته‌اند که پوششی اسلامی به تن کرده است و گروه دیگری احساس می‌کنند در برابر تاریخی جدید و نظامی معتدل قرار گرفته‌اند که جنبش‌های اسلامی میانه‌رو و مدرنی آنها را هدایت می‌کنند. حزب النهضت در کجای این ماجرا قرار دارد؟

یکی از نکات عجیب این است که افراد به همان چیزهایی معتاد شده‌اند که نظام گذشته طرح می‌کرد. یعنی استفاده زیاد از گفتمانی که مبتنی بر اسلام هراسی بود و شبانه روز آن را تبلیغ می‌کرد. در این حملات اسلام یا حزب النهضت را هدف قرار می‌دهند و می‌گویند نسبت به آزادی، حقوق بشر، هنر و اقتصاد احساس خطر می‌کنند. درحالی که النهضت یک پروژه اجتماعی- اقتصادی است که انرژی نوآوری افراد را آزاد می‌کند و در پی ایجاد روابطی برادرانه و انسانی است و در حفظ محیط‌زیست و استقلال کشور و تامین نیازهای اصلی مردم تلاش می‌کند. نمی‌توان تناقضی بین اسلام و نیازهای انسان یافت. هرچیزی که به نفع انسان باشد و عدالت را برقرار کند همان اسلام است حتی اگر نام اسلام را بر خود نداشته باشد.

شکل دولتی را که می‌خواهید تاسیس کنید، چگونه است. آیا به همان شیوه یک سیستم سکولار و لیبرالی است یا رویکردهای دیگری دارید. رابطه بین این دولت و دین چگونه خواهد بود؟

النهضت تاکید دارد که در رابطه بین دولت و دین این حزب به چارچوب‌های یک دولت مدنی و دموکراتیک اعتقاد دارد که هیچ‌گونه مشروعیتی جز آنچه از درون صندوق‌های رای بیرون می‌آید نباید وجود داشته باشد. همچنین تاکید دارد که به اصل شهروندی و مساوات بین زن و مرد برای توزیع حقوق و تکالیف معتقد است و بر اصولی چون آزادی، دموکراسی و حقوق بشر تاکید دارد. آنچه آینده تونس را برای ما امیدوارکننده می‌سازد زمینه‌ای است که همه گروه‌های سیاسی تونس بر آن توافق دارند. آنها همه بر هویت اسلامی کشور و نظام دموکراتیک و عدالت اجتماعی تاکید دارند. دولت تونس البته دولتی سکولار نیست بلکه یک دولت اسلامی عربی است و این در قانون اساسی گذشته هم وجود داشت و در قانون اساسی جدید هم خواهد آمد. ما احتیاجی به سکولاریسم نداریم. سکولاریسم که دوقلوی به هم چسبیده دموکراسی نیست. از سوی دیگر بین اسلام و عقل تناقضی وجود ندارد. بین اسلام و علم و نوگرایی و دموکراسی نیز تناقضی وجود ندارد.

> **النهضت تاکید دارد که در رابطه بین دولت و دین این حزب به چارچوب‌های یک دولت مدنی و دموکراتیک اعتقاد دارد که هیچ‌گونه مشروعیتی جز آنچه از درون صندوق‌های رای بیرون می‌آید نباید وجود داشته باشد. همچنین تاکید دارد که به اصل شهروندی و مساوات بین زن و مرد برای توزیع حقوق و تکالیف معتقد است و بر اصولی چون آزادی، دموکراسی و حقوق بشر تاکید دارد**

هرکسی به حرف‌های شما گوش دهد به این نتیجه می‌رسد که این حرف‌ها معتدل و میانه است. اما شاید این برای بازکردن راه به سمت قدرت باشد. شما در حال حاضر نخست‌وزیری را به دست آورده و وزارتخانه‌های حساس را هم در اختیار گرفته‌اید. شکل نظام سیاسی آینده را چگونه می‌بینید. آیا یک نظام پارلمانی خواهد بود یا ریاست‌جمهوری؟

اتهام دوگانگی گفتمان ما نیازمند دلایلی است که ثابت شود. اصل بر بی‌گناهی است مگر آنکه عکس آن ثابت شود. درباره اهداف و آرمان‌های النهضت هم کتاب‌ها و مطالب زیادی هست و همه می‌توانند بدون مشکلی از آنها اطلاع کسب کنند.

النهضت توانست ۹۰ کرسی از کرسی‌های مجلس (با مجموع ۲۱۷ کرسی) را به دست آورد. یعنی بیش از ۴۱درصد از مجموع این کرسی‌ها را. یعنی وقتی نزدیک به ۳/۷میلیون تونسی واجد شرایط رای داده‌اند از بین آنها ۱/۵میلیون نفر به نهضت رای داده‌اند. این طبیعی است حزبی که اکثریت را به دست آورده باشد، دولت آینده را تشکیل می‌دهد. ما همچنان به دنبال نظامی پارلمانی هستیم تا راه را بر استبداد و دیکتاتوری و انحصار قدرت ببندیم. اینچنین نظامی اجازه نمی‌دهد که قدرت در دست یک نفر- حال با هرگونه گرایش و تمایلی - متمرکز شود.

شما به دنبال نظامی پارلمانی هستید. اما تعدادی از رفقای شما در حزب انتقاد می‌کنند که دارید نقش سیاسی و دیپلماتیکی را به صورت موازی با دولت بازی می‌کنید. آرمان‌های شما چیست و درباره رشد جریان‌های اسلامگرا در شمال آفریقا چه می‌گویید؟

حزب النهضت با همه افکار، اندیشه‌ها، جمعیت‌ها و طرفدارانی که دارد در خدمت مردم است. همه احزاب و گروه‌های سیاسی باید تمام روابط عربی و بین‌المللی خود را در جهت منفعت کشور به کار گیرند. تلاش‌های ما نیز در این جهت است. هرگز به دنبال پستی، مقامی یا قدرتی نبوده‌ایم. ما اصلا بلندپروازی ریاست یا امارت یا خلافت را نداریم.

جنبش‌های اسلامی نیز باید در چارچوب کشور خودشان فعالیت کنند نه در چارچوب یک دولت خلافت. یعنی تابع قوانین اساسی کشورهایشان باشند. ما سعی می‌کنیم اگر فعالیتی هست در چارچوب نهادهای مغرب عربی و اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی عمل کنیم. این اقدام در زمانی که اروپا، آسیا و آمریکای لاتین متحد می‌شوند، هیچ جرمی به حساب نمی‌آید.

تاکید دارید که نمی‌خواهید در آینده خود را نامزد رهبری النهضت کنید یا در دولت تونس مقامی داشته باشید. شما به انتقاداتی که علیه شما مطرح می‌شود، چه جوابی می‌دهید. شما دارید پوششی سیاسی برای سلفی‌گری فراهم می‌کنید چون مواضع شفافی در قبال اعمال آنها ندارید؟

من هرگز نظر خودم را تغییر نداده‌ام. اعتقاد من این است که نسل‌های جوان‌تر هستند که شایستگی رهبری را دارند. اگر من چنین جایگاهی را ترک کرده‌ام به معنای ترک النهضت نیست. احساس می‌کنم تونس بخش کوچکی از یک جهان بسیار بزرگ‌تر است که امت اسلامی نام دارد. من به عنوان معاون رییس اتحاد علمای مسلمان در این جهت عمل می‌کنم.

سلفی‌ها هم بخشی از ساکنان تونس هستند که بر سر آنها همان چیزهایی آمده است که بر سر دیگر گروه‌ها آمد. حتی این گروه پس از النهضت بیش از سایر گروه‌ها تحت فشار بود. البته سلفی‌های تونس یک جریان واحد نیستند بلکه جریان‌های گوناگون هستند. ما انتظار داریم که با از بین رفتن سرکوب و ایجاد فضای آزاد برای گفت‌وگو این پدیده‌های افراط‌گرایی کاهش یابد. تونسی‌ها مردمانی معتدل هستند و اعتدال هم به نظر من آن چیزی است که در نهایت به نفع جامعه باشد. ما با هرگونه شیوه‌ای که بخواهد مساله‌ای را برخلاف قانون بر کسی تحمیل کند، مخالف هستیم.

هنگام تشکیل کابینه اختلافاتی بروز کرد به‌خصوص درباره وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ. چرا بعضی از اینکه النهضت در رأس این وزارتخانه‌ها باشد، احساس نگرانی می‌کنند؟ نظر شما درباره سیستم آموزشی کشور چیست؟

این هم جزو همان سلسله تبلیغاتی بود که بعضی‌ها مطرح کرده و در مورد میزان جدیت برنامه‌های النهضت شک دارند. در مورد وزارت آموزش و پرورش باید به همه اطمینان دهم که ما دست به هیچ کاری نمی‌زنیم و قصد تغییر برنامه‌های موجود را به صورت فردی نداریم. زیرا ما معتقدیم که این کار باید از طریق مشورت با کارشناسان امور تربیتی، متخصصان، اولیا و نهادهای مربوطه انجام شود. آموزش باید آزاد و فعال باشد. این دینامیسم بدون داشتن استقلال اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به دست نمی‌آید. با توصیه و دستور نمی‌توان کاری کرد. در رابطه با فرهنگ نیز ما هرگز در پی آن نیستیم که ایدئولوژی خاصی را تحمیل کنیم یا شیوه فرهنگی خاصی را تبلیغ کنیم. بلکه در پی ایجاد توازن فرهنگی در کشور هستیم. فرهنگی که به افکار عمومی جامعه و میراث و ذخایر فرهنگی در این کشور نزدیک باشد.

زنان عرب به دستاوردهای سیاسی زنان تونس طی یک دهه گذشته غبطه می‌خورند. با این حال برخی نگران آن هستند که با وضع قوانین جدید این دستاوردها از بین برود. آیا به نظر شما اینها فقط یک مشت نگرانی و ترس است؟ آیا می‌خواهید حجاب را با زور بر زنان تحمیل کنید؟

زن جایگاه خاصی در ایجاد یک تمدن دارد. به اعتقاد النهضت نباید به حقوق زنان آسیبی وارد شود. دلیل اینکه زنان و مردان استقبال گسترده‌ای از النهضت کرده و حتی ۲۴ زن از این حزب در پارلمان حضور دارند، همین است. این تعداد البته بخشی از ۹۴ کرسی پارلمان است که به زنان تعلق دارد. زنان تونسی احساس می‌کنند آزادی آنها با النهضت بیشتر تضمین می‌شود و این حزب دشمن آنها نیست. ما قصد نداریم حجاب را بر زنان تحمیل کنیم. همه دولت‌های عربی که دست به چنین کاری زدند، شکست خوردند. ما از زنان دفاع می‌کنیم و خواستار تقویت نقش آنها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی هستیم تا هرگز دستاوردهای گذشته آنها از بین نرود. زمان تسلط بر مردم به اسم نوگرایی یا به اسم اسلام‌گرایی پایان یافته است. نمی‌خواهیم تونسی‌ها دچار نفاق شوند. یعنی در ظاهر کاری را بکنند که در باطن عکس آن را انجام می‌دهند. ما در چارچوب اصول آزادی بیان، اندیشه، فکر و پوشش عمل می‌کنیم.

منبع: الاهرام

روزنه

مطالعات بامزه نامزدهای جمهوری‌خواه

پاول بگال/ ترجمه: محمد صفری

■ مدتی پیش میت رامنی مصاحبه پرچالشی با فاکس‌نیوز داشت. عجیب‌ترین لحظه، وقتی بود که برت بایر از او پرسید: «آخرین کتابی که خواندی چه بود؟» رامنی در جواب گفت: «الان دارم یه کتاب، میشه گفت سرگرم‌کننده، می‌خونم.» و به سرعت اضافه کرد: «اخیرا کتاب لحظه تصمیم(۱) جورج بوش رو تموم کردم.» به راستی چه نوع احساس گناهی باعث شد رامنی اسم آن کتاب را نیاورد؟ رامنی در مصاحبه‌ای با فاکس در سال ۲۰۰۷، زمانی که از او پرسیده شد کتاب محبوبش چیست، زمین میدان جنگ معروف‌ترین اثر نویسنده کتاب‌های علمی-تخیلی ال.ران.هابرد را نام برد. هابرد بیش از همه به‌عنوان پایه‌گذار فرقه مذهبی علم‌شناسی(۲) شناخته شده است؛ فرقه‌ای که طرفدارانش آن را دین می‌دانند(۳) و بر طبق آنچه در یکی از رمان‌های پایه‌گذار این فرقه نوشته شده مورمونیسم(۴) را یک فرقه می‌دانند. با در نظر گرفتن باور بحث‌برانگیز اما واقعا ضدمورمونی این فرقه که برای بسیاری از آمریکایی‌ها، به ویژه اصلی‌ترین رای‌دهندگان جمهوری‌خواه، حایز اهمیت است، رامنی تلاش می‌کند از ملتهب شدن اوضاع جلوگیری کند. احتمالا به همین دلیل تمایل چندانی نداشت به بایر بگوید این روزها برای تفریح چه می‌خواند. این روزها چه کتابی می‌خوانی از آن سوال‌های غافلگیرکننده نیست. جان.اف.کندی معروف بود به اینکه با گفتن از علاقه بسیارش به رمان از روسیه با عشق(۵) از سری رمان‌های جیمز باند نوشته ایان فلمینگ، علاقه مشترکش با هم‌دوره‌ای‌هایش را نشان می‌داد. بیل کلینتون عاشق داستان‌های پلیسی و به ویژه آثار والتر موزلی، سارا پارتسکی و پسر یهودی دوآتشه اهل تگزاس، کینکی فردمن بود. در خبرها آمده که باراک اوباما همه داستان‌های هری پاتر را خوانده است. همان طور که پیش‌بینی می‌شد نامزدهای ریاست‌جمهوری آمریکا بیشتر به کتاب‌های انتخاباتی علاقه دارند. نشنال‌ژورنال در خبری گفته ران پاول در صحن مجلس (کنگره) آمریکا بیشتر از همه از آین رند نقل‌قول می‌کند. رند، فردی به بدترین شکل ضدمسیحی و آزادی‌خواهی به غایت افراطی بود که نثر طویل و کسالت‌بار و فلسفه به شدت خودخواهانه‌اش برای دهه‌ها الهام‌بخش دانش‌آموزان مدارس شبانه‌روزی غیرانتفاعی بود. دانش‌آموزانی که نشئه می‌کردند و مردم بی‌خانمان را به مسخره می‌گرفتند. شهرت نیوت گینگریچ بیشتر از کتاب‌هایی که خوانده، به کتاب‌هایی که نوشته برمی‌گردد. او هیچ وقت از گفتن اینکه به تنهایی و با دیگران چیزی حدود ۳۰هزار کتاب را نوشته، خسته نمی‌شود. آخرین اثر غیرداستانیش برای نجات آمریکا(۶) است که خلاصه کلامش این است: «ماشین سوسیالیست سکولار همان قدر آمریکا را تهدید می‌کند که آلمان نازی و شوروی زمانی می‌کردند.» کتاب‌هایی که خودِ نیوت توصیه می‌کند از کتاب‌های نظامی مانند سان تزو تا کتاب‌های بی‌سر و تهی درباره آینده از آلوین تافلر را شامل می‌شود.

و بالاخره می‌رسیم به کتاب‌های دم‌دستی. میشله باکمن که انگاری با تمام وجود می‌خواهد به لبه دیوانگی بدود و پایین بپرد، از کتاب ندای وظیفه(۷) اثر استیون ویلکین نقل‌قول می‌کند. من هم اسمش به گوشم نخورده بود اما رایان لیزا از مجله نیویورکر به ما می‌گوید: «ویلکینز از مبلغان دوآتشه این نظریه است که ایالات جنوبی سرزمین مردم مسیحی ارتودکس بود و مردم سرزمین شمالی که طلا نداشتند به ناحق به آن حمله کردند. اینکه چرا کسی که اهل مینسوتاست و در آیواو به دنیا آمده بیانیه یک انجمن سری را از بر می‌کند، برای من جای سوال است. البته باکمن خیلی بیشتر از اینها برای من جای سوال است. ریک سانتروم بیچاره هم معلوم است با ادبیات کلنجار رفته که اولین شعار تبلیغاتیش «بگذارید آمریکا دوباره آمریکا شود» از لنکستون هیوز بود. اما بعد که فهمید این شاعر آفریقا-آمریکایی طرفدار اتحادیه‌ها بوده و گفته شده هم‌جنس‌باز هم بوده، به کلی از این شاعر اعلام تبری کرد. بهتر بود قبلش به گوگل سری می‌زد. و اینجا می‌رسیم به ریک پری که در درس نگهداری از حیوانات در دانشگاه «تگز اس‌ای‌اندام»، نمره ضعیف C گرفته بود. به گفته خودش، کتاب جهش پنج هزار ساله: ۲۸ ایده بزرگ که دنیا را عوض کرد اثر کلون اسکوسن تاثیر عیمقی رویش داشت. گلن بک، کسی که پیش از سقوط، ستاره فاکس‌نیوز بود، این کتاب را به کرات تبلیغ کرده. این کتاب که به شکل بی‌ملاحظه‌ای ضد واشینگتن است، از سقوط فئودالیسم شروع می‌کند و به متمم هفتم قانون اساسی آمریکا می‌رسد که به شهروندان اجازه می‌دهد خودشان و نه قانونگذاران، نمایندگان مجلس (سناتورها) را انتخاب کنند. شاید میت رامنی باید تخیلات ران هاباردیش را بیشتر جدی بگیرد. در مقایسه با او، کتاب‌هایی که رقبایش می‌خوانند قصه‌های عوام است.

منبع: نیوزویک

پانوشت: در ترجمه نام کتاب جورج بوش decision points به جای لحظه‌های تصمیم، لحظه تصمیم را به دلیل روان‌تر بودن گذاشتم. به نظر شما کدام بهتر است؟

پی‌نوشت‌ها:

۱- Decision Points

۲- Scientology

۳- در سال ۱۹۵۴ به عنوان یک موسسه ثبت شد و در سال ۱۹۹۳ از سوی دولت آمریکا به عنوان یک دین شناخته شد. در سال ۲۰۰۰، هشت میلیون طرفدار در جهان داشت.

۴- فرقه‌ای از مسیحیت

۵- From Russia with love

۶- To Save America

۷- Call of Duty